

«روایت ناپدید شدن مریم» به قلم کارگردان

محمدرضا لطفی به بهانه اکران آنلاین فیلمش «روایت ناپدید شدن مریم» در یادداشتی به مرور مساله ژانر در سینمای ایران پرداخت.

به گزارش سایت خبری پرسون، این روزها فیلم سینمایی «روایت ناپدید شدن مریم» به کارگردانی محمدرضا لطفی پس از سال ها که از اکران پرده ای آن در سینماهای هنروتجربه می گذرد، توسط این موسسه در پلفرم هاشور اکران آنلاین شده است.

به بهانه اکران آنلاین این فیلم از سینمای وحشت، لطفی یادداشتی نوشته و در اختیار صبا گذاشته است.

متن یادداشت بدین شرح است: «تقارن چند اتفاق در این برهه عجیب و غریب از تاریخ برایم آنقدر جالب و عجیب بود که مدام ذهن مرا درگیر خود می کند و مجبورم کرد تا این چند خط را بنویسم و سیاه کنم»؛ شاید برای ثبت در تاریخ و شاید هم برای آرام گرفتن ذهن بیش از حد فعال شده ام. شاید هم»؛

اکران مجدد فیلم سینمایی اولم «روایت ناپدید شدن مریم» بعد از چند سال از اکران در سینماها که این بار به شکل نمایش آنلاین اتفاق افتاده است، مدام مرا به آن روزگار و دوران، که حالا گویی صدها سال پیش است پرتاب می کند. این همه ماجرا نیست، تمام این فلش بک ها متقارن است با روزهای کرونزده عجیب و غریبی که سینما نزدیک به دو سال است که مرده است»؛ نه خانی می آید و نه خانی می رود و مردم آنقدر نگران سلامتی و تامین معاش خود هستند که سینما به حاشیه رفته است و ما هم برای اکران فیلم سینمایی آخرم «تعارض» (ریست) و همچنین ساخت فیلم جدید چشم انتظار روزهای بهتر هستیم.

این هم تمام ماجرا نیست، چراکه این اتفاقات هم تقارن پیدا کرده با انتخاب رییس جدید سازمان سینمایی»؛ تنها مدیری که در همان بدو ورود با ۳۰۰ فیلم پشت خط اکران مانده و سینمایی که دو سال است در کمای مطلق فرو رفته مواجه است.

دوست دارم از همه اینها چیزی مفید گفته باشم پس حاشیه را کم می کنم»؛ روایت ناپدید شدن مریم فیلم در ژانر وحشت یا به قول خارجی ها هارور است»؛ چیزی که اصولا و اصلا در سینمای ایران وجود خارجی ندارد»؛ منظورم ژانر وحشت نیست»؛ فیلم خودم هم نیست»؛ منظورم خیلی فراتر است»؛ درباره ژانر صحبت می کنم»؛ چیزی که سینما با در همه جای دنیا با تنوع آن معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می کند»؛ اما در کشور ما به جرات تمام آثار به دو گونه یا بهتر بگویم شبه گونه است»؛ کمدی و اجتماعی»؛ که تازه خیلی از آنها هم نه کمدی واقعی هستند و نه اجتماعی واقعی»؛ خوب به خاطر دارم که در زمان ساخت همین فیلم اولم به تمام مراکز حمایتی وقت سر زدیم»؛ از همه هم تعریف از فیلمنامه شنیدم، اما در نهایت یک «نه» گرفتیم»؛ چرا؟ چون شبیه این فیلم با این فرم و ساختار تاکنون ساخته نشده بود و ممکن بود که آقایان را به دردسر بی اندازد»؛ فیلم هم نه کمدی بود و نه اجتماعی»؛ اصلا گویی فیلم ژانر ساختن در برنامه و هدف هیچ نهاد و ارگانی نبود و حتی الان هم نیست»؛

به جرات هر فیلم ژانری که ساخته می شود حاصل تلاش و سخت جانی خود سازنده است و بعدتر هم در جشنواره هایمان کمترین توجه به آنها می شود»؛ سخن را کوتاه کنم»؛ ای کاش محمد خزاعی، حالا که سکان این کشتی طوفان زده را برعهده گرفته، در برنامه های خود و در نهادهای متولی و حامی تولید فیلم، برای یک بار هم که شده به حمایت و تولید آثار ژانر، اعم از هر ژانری روی خوش نشان دهد و آن را در برنامه خود قرار دهد چراکه باور کنیم سینمای واقعی با تنوع ژانرها و گونه ها معنای واقعی خود را پیدا می کند.»

در خلاصه داستان فیلم آمده است: مرتضی حسینی مستندساز است که در سال ۱۳۸۷ در پی حادثه ای در جاده ای دور افتاده به کما می رود و همسرش مریم شریفی ناپدید می شود. او به همراه دوستش مجید شکری و یاسر جعفری در حال ساخت فیلمی مستند پیرامون نیروهای ماورایی هستند که کما رفتن مرتضی سرآغازی است برای»؛

رضا بهبودی، زنده یاد افشین یداللهی، مجید شکری، یاسر جعفری، صدف بهشتی، افسانه ناصری، ملیسا ذاکری، آمنه سرابیان، مهدی حسینی نیا، میثم شاهدی و فوژان قبادیان بازیگران این فیلم سینمایی هستند.